

سابقه مدیریت بمران و پدافند غیرعامل در شرکت آب منطقه ای تهران از زبان دبیر کمیته و مجری طرح های مدیریت بمران و پدافند غیرعامل شرکت

سال ۸۵

به دنبال درج موضوع پدافند غیرعامل در برنامه چهارم توسعه کشور، پیگیری الزامات و اقدامات مربوط به پدافند غیرعامل در بخش های غیرنظامی کشور ابعاد تازه ای پیدا کرد و به همین ترتیب از تابستان سال ۸۵ با تشکیل کمیته پدافند غیرعامل وارد شرکت آب منطقه ای تهران شد. به پیشنهاد این کمیته و برای پیگیری موارد مربوط، اینجانب از مهرماه همان سال به عنوان مجری طرح پدافند غیرعامل منصوب شدم. حرکت دادن طرحی بدون اعتبار، بدون تجهیزات و نیروی انسانی و حتی یک محل مشخص برای انجام کار، آن هم در موضوعی با عنوان پدافند غیرعامل که در سال ۸۵ هنوز ناشناخته بود، عنوانی نظامی داشت و در عین حال قرار بود در بخش های غیرنظامی جاری شود و هیچ تجربه ای هم در این ارتباط وجود نداشت، کار بسیار دشواری بود. عملاً در آن زمان ما فقط بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم و آیین نامه آن را در دست داشتیم و مکاتبات پراکنده و بعضاً متفاوتی که در این رابطه انجام می شد. در عین حال با مطالعه پیرامون بحث پدافند غیرعامل و مذاکره با دست اندرکاران در بخش های مختلف و برخی مشاوران تازه کار در این زمینه و با سابقه کاری و ذهنی از مطالعات فنی و مهندسی طرح های آب و بویژه سدها، اولین شرح خدمات مطالعه پدافند غیرعامل در سدها تهیه و در دیماه سال ۸۵ برای طی مراحل تصویب و اختصاص اعتبار به شرکت مادر تخصصی (مدیریت منابع آب) ارسال شد. این شرح خدمات تلفیقی بود از دیدگاههای فنی و مهندسی و دیدگاههای پدافند غیرعامل و عملاً شروعی بود برای طرح موضوع مهندسی پدافند غیرعامل در صنعت آب کشور. در واقع ما به این نتیجه رسیدیم که برای شناخت وضعیت پدافندی یک پروژه و تهیه طرح پدافند غیرعامل برای آن، توجه به مباحث پایه و فنی ضروری است و این مطلب در واقع نشان میداد که تیم مطالعه کننده هم باید تلفیقی از تخصص های مختلف در این دو مقوله باشد.

سال ۸۶

با پیگیری فراوان حضوری و مکاتبه ای، هیچگونه نظری مبنی بر تائید یا رد طرح (شرح خدمات) ارسالی دریافت نکردیم و از طرف دیگر هم با توجه به عدم وجود طرح تایید شده که باید توسط کمیته وزارت نیرو و وزارت دفاع و کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور انجام می شد و البته در نوع خود مسیر

طولانی و مشکلی هم به حساب می آمد، نتوانستیم از یک درصد اعتبار طرح های عمرانی که در قانون بودجه سال ۸۶ برای این منظور در نظر گرفته شده بود استفاده کنیم.

مشکل عمده در این رابطه عدم شناخت کافی از پدافند غیرعامل نه تنها در مدیران بود که حتی کارشناسان قابلی هم در این زمینه چندان در دسترس نبودند. لذا سعی اصلی در دستگاهها برای جذب اعتبار مربوطه به هر طریق ممکن بود حتی با طرحهایی مثل ساخت پناهگاه، فنس کشی و ... بدون مطالعه و توجیه کافی. ولی از آنجا که مسیرهای قانونی هم به روشنی بیان نشده بود و حتی آیین نامه بند ۱۱ ماده ۱۲۱ هم ابهامات زیادی داشت، کاری نمیشد انجام داد.

سال ۸۷

از اواخر سال ۸۶ و با عدم دریافت پاسخ کافی و مناسب از شرکت مدیریت منابع آب، کار را بصورت جدی تر از طریق حراست وزارت نیرو دنبال کردیم و البته با همکاری تیم جدید شرکت مادر تخصصی، این فعالیت ها به اختصاص اعتباری قابل توجه به بخش آب وزارت نیرو در سال ۸۷ منتهی گردید.

در آن سال طرح تحقیقاتی برای مطالعه مدیریت بحران آب تهران از سوی یکی از دانشگاههای تهران ارایه شده بود که بررسی مستمر آن طرح هم کمک کرد که ضمن تکمیل شرح خدمات مطالعات پدافند غیرعامل سدهای درحال بهره برداری و مدیریت بحران تامین آب تهران و با ابلاغ موافقت نامه اعتبارذکر شده، در پایان سال ۸۷ حرکتی جدی دراین زمینه آغاز شود که نه تنها برای آب تهران بلکه در کشور هم سابقه ای نداشت.

لذا در این رابطه لازم بود تا شرکت مشاور برای آغاز مطالعات پدافند غیرعامل تعیین و انتخاب شود که علاوه بر آشنایی نسبت به طرح ها و سازه های آبی، توان لازم برای سازماندهی تیم مطالعاتی این موضوع را نیز داشته باشد. از سوی دیگر مطالعات با کمبود اعتبار و در اولین مرحله باید از مهمترین تاسیسات بخش آب یعنی سدها آغاز میگردد.

بنابراین و با کسب مجوز از سازمان پدافند غیرعامل کشور، شرکت مهندسین مشاور مهتاب قدس انتخاب گردید تا مجموعه ای از سدها و تاسیسات در استانهای تهران و خوزستان را مطالعه نماید. لازم به تاکید است که شرکت مهتاب قدس هم با تدارک تیمی مناسب و از چند ماه قبل از ابلاغ قرارداد کمک زیادی در جهت تکمیل و نهایی شدن شرح خدمات ضمن مذاکرات متعدد با کارشناسان سازمان پدافند غیرعامل کشور انجام داد.

شاید این گونه تلقی شود که شرح خدمات ارسالی ما کامل نبوده که نیاز به تکمیل پیدا کرده است؛ دلیل آن ضرورت لحاظ نظرات بخشهای ذیربط مثل سازمان پدافند بود و البته از سال ۸۵ تا ۸۷ هم با عمیق شدن دیدگاهها، حتی خود ما هم نظرهایی برای تغییر و تکمیل شرح خدمات اولیه داشتیم.

در نهایت قرارداد این مطالعات در روزهای پایانی سال ۸۷ ابلاغ شد لکن با توجه به اینکه دستگاه مجری در موافقت نامه مربوطه، شرکت مدیریت منابع آب ایران بود، علیرغم اینکه کل مطالعات چه در بخش پدافند غیرعامل سدهای استان و چه بخش مدیریت بحران تامین آب تهران مربوط به آب منطقه ای تهران بود، کارفرمای مطالعات، شرکت مدیریت منابع آب ایران شد. اگر چه نظر ما بر این بود که این حالت تاثیر جدی در پیشرفت مطلوب کار و تهیه طرح نهایی کاربردی و نیز افزایش زمان قرارداد خواهد داشت و بهتر است کارفرمایی مطالعات به آب تهران تفویض شده و کمیته مدیریت منابع آب نظارت عالیه داشته باشد ولی این اتفاق نیفتاد و اتفاقاً از همان ماههای نخست هم اثر خود را نشان داد.

سال ۸۸

مطالعات با تاخیر و در اصل از خرداد ماه سال ۸۸ شروع شد و در کنار آن، قرارداد دیگری هم برای مطالعه پدافند غیرعامل برخی سدهای استان خوزستان بدون بخش مدیریت بحران وجود داشت.

سال ۹۱

با توجه به موارد فوق و البته عدم اختصاص منظم اعتبار که پشتوانه قرارداد است، انجام کار با تاخیر مواجه بوده و هم اکنون مطالعات پدافند غیرعامل سدهای استان تهران مراحل پایانی خود را طی می کند.

از سال ۸۵

در آب منطقه ای تهران نظر ما در طرح پدافند غیرعامل علیرغم اصرار برخی افراد، بر شروع کار با مطالعه و کارشناسی بود و البته هنوز هم هست. چرا که بدون آگاهی و کارشناسی و مطالعه کافی و البته بدون جهت و موضع قبلی، تنها هزینه خواهیم کرد بدون آنکه بازخورد مناسبی داشته باشیم و چه بسا پس از آن هم ناچار شویم ساخته های قبلی را تخریب کنیم.

لذا با این عقیده طی سالهای ۸۶ و ۸۷ به دنبال باز شدن راهی در این جهت بودیم و ضمن آن توانستیم اطلاع و اشراف خود را نیز نسبت به موضوع افزایش داده و جلساتی هم در سطح شرکت برای شرح و معرفی پدافند غیرعامل بویژه در صنعت آب و برق بگذاریم؛ البته ذکر این نکته هم ضروری است که بنده به عنوان مسئول این امر در آب تهران، از ابتدای سال ۸۶ تا ابتدای سال ۸۹ و بطور همزمان بعنوان کارشناس دفتر فنی، کارشناس دفتر معاونت طرح و توسعه و مدیر دفتر طرح های توسعه منابع آب نیز فعال بوده ام که این اشتغال با توجه به حجم بالای آن، در کند شدن پیشرفت کار پدافند غیرعامل موثر

بوده اگرچه نکات مثبتی هم داشت؛ ازجمله اینکه بدین صورت از تجهیزات در اختیار در معاونت طرح و توسعه و دفتر طرح ها بصورت مشترک استفاده شد بویژه اینکه طرح پدافند غیرعامل تا سال ۸۹ از خودش نیرو، تجهیزات و امکانات نداشت، بعلاوه ارتباط با تامین بودجه و موافقت نامه و متولیان امر در استان باعث تجهیز این واحد ضمن اخذ بودجه در سال ۸۹ شد که در نوع خود و حداقل در بخش آب کشور بی نظیر است.

مدیریت بحران

از مهرماه سال ۸۷ با ابلاغ نظام نامه مدیریت بحران و پدافند غیرعامل توسط وزارت نیرو و تشکیل کمیته مدیریت بحران و پدافند غیرعامل شرکت آب منطقه ای تهران، موضوع مدیریت بحران هم در کنار پدافند غیرعامل قرار گرفت و از این زمان بود که اینجانب علاوه بر مجری طرح های مربوطه، به عنوان دبیر کمیته نیز منصوب شدم.

بحرانهای چند جانبه

همانطور که در تهیه شرح خدمات مطالعات پدافند سد ها نیز اشاره شد، بررسی موضوع مدیریت بحران در مفهوم جامع آن نشان میدهد که نه تنها موضوعات ذیل پدافند غیرعامل نیز به عنوان یکی از تهدیدها یا بحران های غیر طبیعی، جزء آن قرار می گیرد بلکه در مراحل چهارگانه مدیریت جامع بحران و در بخش پیشگیری، اقدامات در اکثر موارد مشابه یکدیگر است. بعلاوه چون نگرش پدافند غیرعامل بررسی تهدیدها و کاهش یا ممانعت از آسیب های ناشی از آنها قبل از وقوع است، باید به این نکته توجه داشت که برخی از بحران ها و تهدیدهای طبیعی در ابعاد خاصی می توانند کاملاً به شرایط تهدید آمیز و امنیتی تبدیل شوند.

خوشبختانه در سالهای اخیر این موضوع نیز مورد توجه بخش های ذیربط کشور قرار گرفته و روی آن کار می شود ولی در هر حال جدا بودن دو مقوله مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در کشور با این همه ارتباط تنگاتنگ جای این نگرانی را باقی گذاشته است که در شرایط بحران های دوجنبه ای یا چند جانبه واقعاً چه خواهد شد.

همانطور که می دانید بحران های ناشی از وقایع طبیعی و انسان ساخت توسط سازمان مدیریت بحران کشور مدیریت خواهد شد و بحران های ناشی از حوادث انسان ساخت در حوضه امنیتی و دفاعی، مربوط به سازمان پدافند غیرعامل می شود. بحران های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هم که ظاهراً متولی خاصی ندارد و مصداق آن را هم در سالهای گذشته داشته ایم.

تجربه های قبلی و گزارش های رسمی نشان داده که ما حتی در بحران های یک جنبه ای هم در بین دستگاه های مرتبط از هماهنگی لازم و فرماندهی مناسب برخوردار نبوده ایم.

نکته مهم در این زمینه، ابلاغ مقام معظم رهبری در بند ۱۲ سیاست های کلی نظام در مورد پدافند غیرعامل و بند ۳ سیاست های کلی نظام در مورد سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه و نیز تبصره ماده ۱۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور است که امید است قبل از مواجهه با شرایط بحران چند جانبه، اساس اقدامی عملیاتی در این ارتباط قرار گیرند.

در آب تهران بطور کلی ما به چند گزینه پرداخته ایم؛

تامین و تجهیز

اول تجهیز شرکت برای مدیریت بحران و تامین لوازم و امکانات مورد نیاز چه در ستاد و چه در بخش های زیرمجموعه است. منظور از این تجهیز موارد ایده آل نیست، بلکه در مرحله اول ما دنبال تامین لوازم ضروری و اولیه هستیم. خوشبختانه و پس از رایزنی و پیگیری فراوان، در سال ۸۸ اعتبار مناسبی از استانداری تهران اختصاص داده شد و ما توانستیم در فاز اول ستاد شرکت را تجهیز کنیم. البته قصد ما ایجاد اتاق بحران بود، لکن چون فضای مناسب در اختیار ما قرار نگرفت، عملاً این اتفاق نیفتاد. در حال حاضر واحد مدیریت بحران و پدافند غیرعامل آب تهران دارای یک دستگاه خودروی نیمه مجهز، تجهیزات رایانه و ایمنی، تجهیزات سمعی و بصری و تجهیزات پشتیبانی اولیه بعلاوه تجهیزات ارتباطی است که اگر بتوان آنها را با برنامه ریزی و سازماندهی مناسب مورد استفاده قرار داد - همان قالب اتاق بحران - در نوع خود و به نظر میرسد حداقل در سطح آب کشور بی نظیر باشد.

حداقل تجهیزات و امکانات برای مدیریت بحرانها، در بعضی قسمت های دیگر زیرمجموعه وجود ندارد و در بخشهای دیگر هم نیاز به ساماندهی بهتر دارد.

ساختار سازمانی

دومین موضوع ساختار مدیریت بحران و پدافند غیرعامل شرکت است که در حال حاضر بصورت دبیرخانه کمیته و طرح مدیریت بحران و پدافند غیرعامل فعالیت می کند و البته نسبت به برخی دستگاههای دیگر، سازماندهی قابل قبولی است. لکن براساس ماده ۱۹ فصل ششم آئین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، دستگاههای اجرایی در سطح استانی موظفند یک واحد در سطح مدیریت با ۳ اداره در زیر مجموعه آن برای این منظور ایجاد نمایند. البته و متأسفانه علیرغم حساسیت و

اهمیت مسئولیت های وزارت نیرو بویژه در بخش آب و بویژه در تهران این موضوع جدی گرفته نشده بطوری که هنوز نتیجه ای در این ارتباط بدست نیامده است. اما با پیگیری انجام شده و پشتیبانی دبیر محترم کمیته مدیریت منابع آب در برخی شرکت های آب منطقه ای مهم ایجاد یک اداره در حوزه مدیر عامل شرکت در مهر ماه سال ۸۹ ابلاغ شده که هنوز نهایی نشده است.

باید توجه داشت که ایجاد ساختار از اهمیت ویژه ای در تعیین جایگاه، ارتباطات درون و برون سازمانی، تامین نیروی مناسب و متخصص و نیز اعتبارات و در نهایت کارکرد واحد مربوطه برخوردار است.

آموزش

مسئله بعدی آموزش است که اهمیت فوق العاده ای دارد البته به شرط کاربردی بودن و شرکت همه افراد در آموزش های متناسب با سطح کاری آنها. در این رابطه و طی سالهای قبل، جلسات آموزشی برای کارشناسان برخی قسمت ها، بسیجیان و ... و یک سمینار آموزشی هم ویژه مدیران صنعت آب برگزار کردیم که در مرداد ماه سال ۸۸ و با هماهنگی سازمان مدیریت بحران شهر تهران، در کنار اتاق بحران شهر تهران و نیز با هماهنگی شرکت مدیریت منابع آب ایران برای شرکت برخی مدیران بخش آب کشور برنامه ریزی و انجام شد.

با این وجود، ما باید دوره هایی برگزار کنیم که اولاً همه افراد، متناسب با سطح کاری و علمی خودشان در آن شرکت کنند، دوم اینکه اجبار برای شرکت داشته باشند، سوم منتهی به آزمون، گواهی نامه و امتیاز شغلی بشود و از همه مهمتر محتوای متناسب، همه جانبه و کاربردی داشته باشد. بنابراین ضمن بررسی همه جانبه در این زمینه و در کتابها، سایت ها و تجربه دستگاههای دیگر، یک بسته آموزشی تدوین کردیم که علاوه بر ویژگی های فوق، برای اجرای آن از مدرسان در مجموعه وزارت نیرو و دستگاههای ذیربط و برای برگزاری از سالن های مجموعه های اداری استفاده گردد و به این ترتیب از لحاظ هزینه نیز تقریباً می توان آن را رایگان به حساب آورد.

این طرح آموزشی، تابستان ۹۰ توسط معاونت برنامه ریزی شرکت و برای اخذ کد آموزشی به مراجع بالا دستی ارسال شده است.

مانورها

برگزاری مانور هم از مقوله های مهم و تاثیرگذار مدیریت بحران است. با برگزاری مانور در واقع ما می توانیم میزان آمادگی مجموعه را در مقابل وقایع بحران ساز فرضی ارزیابی کنیم، نقاط ضعف و قوت را شناسایی کنیم، کمبودها را مشخص کنیم و با پرداختن به همه این موارد بصورت جدی، توان مقابله با

حوادث را در مجموعه بالا ببریم. اما برگزاری یا اجرای مانور نیاز به مقدماتی دارد که عمدتاً در کشور به آنها توجه نشده و لذا آن نتیجه ای که انتظار می رود از مانورها حاصل نمی شود.

مورد اول تامین حداقل تجهیزات برای مقابله با حادثه است، بعضی می گویند که هنر در انجام کار با دست خالی است؛ ولی این اشتباه است و در مواردی هم توجه بی توجهی به این موضوع مهم؛ چرا که برای هر اقدام منتهی به نتیجه حداقل تجهیزاتی لازم است و در شرایط کنونی قبل از بحران، هم اعتبار برای این حداقل را میتوان تامین کرد و هم وقت آن وجود دارد. در مانورها یکی از بهترین اهداف، بدست آوردن نیازهای اساسی و اصلی است که ممکن است تاکنون دیده نشده باشند.

مورد مهم بعدی در مانورها، آموزش افراد در عملکرد و اقدام هنگام بحران است. در این رابطه نیاز است که یک برنامه عملیاتی و شرح وظایف فردی برای هر مجموعه و هر حادثه بصورت مجزا همراه با توجه و تشریح برای کلیه افراد وجود داشته باشد تا در مانور، اجرای آن تمرین شود و البته پیش نیاز آن هم آموزش مقدماتی و عمومی است که اشاره شد.

در آب تهران از سال ۷۷ سعی کردیم تا حد امکان هر ساله یک مانور با لحاظ حداقل مقدمات ذکر شده برگزار کنیم تا به تدریج به حد آمادگی مطلوب دست پیدا کنیم، مانور آلودگی میکربی سال ۸۷ در سد لتیان که سناریو آن برای اولین بار تهیه شد ولی به علت گستردگی کار و ارگانهای درگیر و نیز عدم تجربه و راهنما در این زمینه حتی در سازمان های ذیربط، به انجام نرسید؛ مانور زلزله سد کرج که در سال ۸۸ و در کوتاهترین زمان ممکن سناریونویسی، سازماندهی و انجام شد، مانور آلودگی نفتی در سد لتیان که علیرغم مطالعه و تهیه سناریو مطلوب و تجهیزات اولیه (با استفاده از مشاور) بعلت عدم تامین اعتبار کافی در سال ۸۹ محقق نشد، مانور مدیریت سیلاب رودخانه جاجرود از سد لتیان تا سد ماملو که اردیبهشت سال ۹۰ با تاثیرهای مثبت و همکاری مناسب درون سازمانی برگزار شد، اگر چه از همکاری برون سازمانی مناسبی برخوردار نبود؛ و مانور زلزله در ستاد شرکت که بهمن ماه سال ۹۰، با مشارکت قابل توجه کارکنان، با شاخص های قابل توجه و مشارکت ارگانهای شهری اجرا گردید.

بانک اطلاعات جامع

یکی از موارد ضروری و اساسی برای مدیریت مطلوب در شرایط بحران دسترسی به اطلاعات جامع، صحیح و بموقع است. در این رابطه طی چند سال گذشته ایجاد یک بانک اطلاعات جامع برای شرکت آب منطقه ای تهران را دنبال کرده ایم که نه تنها در شرایط بحران نیاز جدی به آن وجود دارد که در شرایط عادی هم می تواند نقش عمده ای در بهبود مدیریت شرکت ایفا نماید. اما به نظر می رسد ایجاد اعتقاد جدی در این رابطه در اجزای شرکت نیاز به زمان بیشتری دارد.

اطلاع رسانی گسترده و کم هزینه

ایجاد یک صفحه الکترونیکی زیرمجموعه پایگاه شرکت آب منطقه ای هم از دیگر درخواست های سالهای گذشته بوده است که به وسیله آن بتوان ارتباط وسیع تر، اطلاع رسانی و آموزش را با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی دنبال کرد.

سیستم های ارتباطی

یک نکته مهم و قابل توجه دیگر، سیستم ارتباطی است. از آنجا که کلیه زیرساختهای مخابراتی اعم از ثابت، همراه، ماهواره ای و ... علیرغم تمهیدات صورت گرفته، به هر دلیل ممکن است در شرایط بحران قابل استفاده نباشند و از طرف دیگر اخذ اطلاعات و آمار صحیح و سریع از اجزای زیر مجموعه و در مقابل ارسال فرامین، رهنمودها و اطلاعات لازم به آنها در مدیریت بحرانهای احتمالی بسیار حائز اهمیت است، ضروری است تا یک سیستم ارتباطی امن، مستقل و پایدار برای این شرایط تدارک شود. به نظر می رسد بهترین و کم هزینه ترین سیستم با جمیع شرایط که خوشبختانه زیرساخت خوبی هم دارد، در حال حاضر بیسیم است. در این رابطه هم لازم است با همکاری و تامین اعتبار و برخی تجهیزات و اهتمام جدی تر در این زمینه، ارتباط با کیفیت مناسب در سطح استان ایجاد گردد.

طرح های عمرانی

در مورد طرح های عمرانی، اتفاقاً تاکید بر این است که برای کاهش هزینه و تطابق هر چه بیشتر اقدامات مربوط به مدیریت بحران و پدافند غیرعامل، موضوع از همان مرحله شناخت مد نظر قرار گیرد و اگر چنین نشود، هر چه کار جلوتر برود، هم اجرای الزامات و طرحهای مرتبط سخت تر خواهد بود و هم پرمزینه تر. بطور کلی برای طرح های عمرانی دو حالت داریم، یکی طرحهای در حال مطالعه و یکی طرح های در حال اجرا، در مورد طرحهای اجرایی تاکنون نتوانسته ایم محل تامین اعتبار برای انجام مطالعات مدیریت بحران و پدافند غیرعامل بیابیم و از نظر ذیحسابی برای عقد قراردادی با این مضمون، باید در موافقت نامه طرح تصریح شده باشد. لذا این موضوع باید از طریق مراجع ذیصلاح و ذیربط حل و فصل شود.

اما در مورد طرح های مطالعاتی دستورالعملی تهیه شده تا مطالعات مدیریت بحران و پدافند غیرعامل بعنوان یکی از فصول شرح خدمات مطالعات، بویژه از مرحله شناخت طرح ها قرارگیرد که این دستورالعمل در سال ۱۳۹۰ توسط مدیر عامل محترم شرکت ابلاغ شده و امیدواریم مجموعه معاونت

طرح و توسعه و دفتر قراردادها با توجه به اهمیت موضوع نسبت به اجرای دقیق آن اهتمام داشته باشند. در این راستا ماده ۲۱۵ برنامه پنجم توسعه کشور نیز در صورت اهتمام همگانی به اجرای دقیق آن، میتواند راهگشا باشد.

مشارکت بخش خصوصی در مدیریت بحرانها

مورد دیگری درخصوص نحوه مشارکت بخش خصوصی ازجمله (مشاوران و پیمانکاران مرتبط) در دست بررسی است که گمان می رود در صورت تحقق بتواند نتایج قابل توجهی در راستای مدیریت بهتر بحران ها داشته و مورد استفاده دستگاههای دیگر در کشور نیز قرار گیرد.

در این رابطه یک توضیح کوتاه لازم است و آن اینکه همکاری بخش خصوصی و حتی مردم و تشکل های مردمی در مدیریت بحران ها روشی است که در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا مد نظر قرار گرفته و این باور نهادینه شده است که مدیریت مطلوب بحران ها بدون همکاری همه جانبه امکان پذیر نیست.

سایر اقدامات

طی چند سال گذشته علاوه بر مطالب گفته شده، تلاش مستمر برای ایجاد جایگاه مدیریت بحران و پدافند غیرعامل به عنوان یک موضوع ضروری و مهم در بخشهای مختلف بویژه داخل شرکت، همکاری متنوع با دفاتر ذیربط در شرکت مدیریت منابع آب ایران و وزارت نیرو، مشارکت در مانورهای شهری و استانی به مناسبت های مختلف، شرکت در جلسات متعدد مربوط به مدیریت بحران یا پدافند غیرعامل، عضویت و حضور فعال در کارگروههای مختلف مرتبط، پیگیری اعتبارات استانی و ملی، ارایه گزارش ها، طرح ها و پیشنهادات متعدد و زمان بر، نیز در واحد مدیریت بحران و پدافند غیرعامل بصورت جدی پیگیری و دنبال شده که همه این موارد بدون نیروی کارشناس و امکانات اعتباری بوده است.

کمیته های فرعی بخش های زیرمجموعه

چون ایجاد ساختار تشکیلاتی فقط برای ستاد دیده شده، در بخش های زیرمجموعه ایجاد کمیته های فرعی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل را پیشنهاد دادیم که در اولین جشنواره پایداری ملی کشور هم حائز تقدیرنامه شد.

در حال حاضر کمیته فرعی مجموعه سد لثیان و سد کرج سازماندهی شده اند و مقدمات ایجاد کمیته های فرعی دیگر هم فراهم است. لکن یک نکته اساسی، ضرورت توجه مدیریت بخش های زیرمجموعه برای فعال نگه داشتن این کمیته ها و استفاده از آنها در راستای شناسایی تهدیدهای مجموعه و

راهکارهای لازم است، اگرچه ما هم چه از طریق مشاور و یا طرق دیگر در این زمینه پشتیبانی خواهیم کرد و همانطور که گفته شد تجهیز آنها را نیز مد نظر داریم.

برنامه ها و پیشنهادات

یکی از گامهای بعدی تطبیق و پیاده سازی سیستم فرماندهی حادثه یا ICS است که در ابتدا ستاد و بعد در بخش های زیرمجموعه انجام خواهد شد.

برای برنامه ریزی آینده در تدوین برنامه پنجم توسعه استان تهران که بخش آب آن توسط آب تهران مدیریت می شد مشارکت کردیم و هر چند نتیجه نهایی راضی کننده نبود ولی این اقدام گام مثبتی بود که با تنظیم حدود ۳۰ عنوان پروژه (در استانهای تهران و البرز) برای دستیابی به اطلاعات ضروری، اجرای آموزش های لازم، تهیه تجهیزات اولیه و اضطراری و ... تکمیل شد و به نظر میرسد اگر تامین اعتبار شود بیش از پنج سال برنامه را زمان خواهد برد، ضمن اینکه اقدامات اجرایی و تکمیلی حاصل از انجام این پروژه ها، نیازهای اعتباری و طرح های جدیدی را به دنبال خواهد داشت.

بعلاوه، فعالیت هایی به منظور مستند سازی بحران های گذشته ضمن مصاحبه صوتی و تصویری با مدیران شرکت و حتی مدیران گذشته، پیگیری موارد و مصوبات کارگروه استانی خشکسالی، کارگروه استانی سیل، مخاطرات دریایی، برق و آب و فاضلاب و کارگروه شهری شریانهای حیاتی، ایجاد کارگروه کارشناسی سیل و خشکسالی و موارد دیگر چون برگزاری جشنواره آب، مدیریت بحران و پدافند غیرعامل و ایجاد کتابخانه تخصصی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل هم مورد نظر بوده است که پیگیری برای تامین شرایط (نیروی انسانی، اعتبار، مصوبه ها و ...) و انجام آنها ادامه دارد.

جمع بندی

درمجموع به نظر میرسد سیر تحولی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در کشور طی چند سال گذشته بسیار عالی بوده ولی کماکان از سرعت بسیار پائین نسبت به قریب الوقوع بودن بحران های مختلف و همچنین نقایصی بویژه در بخش مدیریت و هماهنگی برخوردار است.

در دنیا بیش از ۴۰ نوع از مخاطرات طبیعی شناسایی شده که در کشور ما استعداد بیش از ۳۰ نوع آن وجود دارد.

بعلاوه با رویکرد نظام سیاسی و حکومتی انتخاب شده در کشور و اهداف پیش رو از جمله انتشار این دیدگاهها در سطح جهان، بخش عمده ای از مخاطرات غیرطبیعی، انسان ساخت، خصمانه و جنگی نیز متوجه ما شده است و خواهد بود. در این بین عدم وجود سیستم های تکنولوژیک و فرهنگ متناسب آن در کشور نیز زمینه دیگری است برای برخورداری از پتانسیل مخاطرات غیرطبیعی در بعد تکنولوژیک.

در عین حال و از همه مخاطرات طبیعی، مهمترین آنها زلزله، سیل، خشکسالی و آلودگی منابع آب است که در بخش آب از اهمیت برخوردار است. بدیهی است در بخش مخاطرات غیرطبیعی این حوزه وسیعتر و شامل تهدیدهای به مراتب گسترده تری از جنگ نظامی گرفته تا خرابکاری، تروریسم، بیوتروریسم، حملات سایبری، جنگهای نرم و خواهد بود.

لذا مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در کلیه اجزای کشور، توجه بسیار جدی تر مسئولین برای تامین نیازها و رفع نقایص و ناهماهنگیهای موجود را قبل از وقوع هرگونه شرایط خسارت بار و غیرقابل جبران با نگاه واقع بینانه به استعداد بالای کشور در برابر حوادث طبیعی و غیرطبیعی می طلبد.

پروژه ها

در مورد پروژه ها چند نکته وجود دارد؛ اول اینکه علیرغم پیش بینی انجام شده در ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور برای اختصاص پنج درصد از اعتبارات استان به مدیریت بحران، این اتفاق نیفتاده اگر چه برخی از مسئولین اذعان دارند که بیش از این پنج درصد پروژهای در قالب حوادث وجود دارد. نکته حائز اهمیت که در اثنای مطالب قبلی هم به آن اشاره شد، جهت دار بودن اقدامات و اولویت بندی آنهاست و لذا ضرورت دارد تا این اعتبار با مدیریت اداره کل مدیریت بحران استانها و در پروژه های مرتبط هزینه شود، ضمن آنکه اولویت ۵ درصد هر دستگاه برای پروژه های پیشنهادی خود آن دستگاه، اولویت داشته باشد.

ساماندهی چنین اعتباری می تواند تحول جدی در مدیریت بحران ایجاد کند. البته به شرط آنکه درست مدیریت شود.

نکته دیگر نقص یا نبود اطلاعات کافی در مسیرهای تصمیم گیری مورد نیاز است. بنابراین ما در مرحله اول نیاز فوری و ضروری به انجام مطالعات با دید مدیریت بحران داریم تا پس از آن و با دید کافی بتوانیم وارد اقدامات اجرایی شویم و در مدیریت بحران های احتمالی از آنها استفاده کنیم. به همین علت اکثر پروژه های پیشنهادی ما جنبه مطالعاتی دارد مثل مطالعه شکست سدها، مطالعه آسیب پذیری ساخت گاهی و سازه ای سازه های تامین و انتقال آب، مطالعه آزمایشگاه مرجع تشخیص آلودگی آب و موارد دیگر که تاکنون انجام نشده یا مطالعه نقش منفی و مثبت قناتها در شرایط بحران، مطالعه توده های لغزشی تاثیرگذار بر منابع آب، مطالعه آب مورد نیاز استان در شرایط عادی و بحرانی که شاید قبلاً در مورد آنها کارهایی شده باشد ولی در جهت مدیریت بحران باید ضمن استفاده از کارهای قبلی طور دیگری به این موارد نگاه کنیم؛ مثلاً آب مورد نیاز را از زاویه فرهنگی - اجتماعی و با نگرش مدیریت بحران مجدداً بدست آوریم، یا مطالعات جامع خشکسالی را از زاویه مدیریت منابع آب انجام دهیم.

خشکسالی

تاکنون نگاه به خشکسالی از زاویه مصرف بویژه در بخش کشاورزی بوده لذا در حالی که ما در کشور اغلب دوره های خشک داریم، همیشه خشکسالی مطرح شده است یعنی نگاه به یک سال بوده و تا بارانی باریده مسئولین نوید از سالی خوب داده اند ولی به محض نمود خشکی، زمزمه جیره بندی آب شرب، کاهش سهم آب کشاورزی برای جبران کمبود آب شرب و پس از آن پرداخت خسارت به بخش کشاورزی در رقم های بالا و دیده شده است.

به نظر می رسد ما با شرایط و اقلیم کشورمان و سرانه آب موجود، ضروری است همچون مدیریت جامع بحران، نگرشی جامع به بحث دوره های خشک داشته باشیم تا با پیش بینی و پیشگیری موارد لازم نیاز آبی را در کشور چه در شرب و چه در کشاورزی و مصارف دیگر از رقم های بالا به سطح نیاز برسانیم و در گام بعدی، مصارف را براساس منابع تعریف کنیم، نه آنکه براساس افزایش مصرف، دائم به دنبال تامین منابع جدید بوده و انتهایی برایش قائل نباشیم.

آب، مایه حیات

ما اگر به آب از زاویه مدیریت بحران نگاه کنیم نه تنها آن را به معنی واقعی سرچشمه حیات خواهیم یافت - در حال حاضر و علیرغم تاکیدهای دینی و در کشور دینی ما اصلاً چنین نیست - بلکه با مدیریت جامع و درست، هم خسارت های نقصان کمی و کیفی آن را کاهش می دهیم و هم بصورت شایسته ای سپاس گزار این نعمت بزرگ خواهیم بود.

پایان